

خرده‌قطعات ایرانی میانه: «قصه پنج برادر»*

کریستیانه رک

مترجم: فهیمه زعفرانی**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۷]

چکیده

این مقاله درباره داستان پنج برادر در دو قطعه دست‌نویس سغدی است. البته دو حکایت درباره پنج برادر یکی به زبان پارتی و دیگری به زبان سغدی وجود دارد. در داستان سغدی، دیو برادران را یکی از پس از دیگری می‌کشد، اما برادر جوان‌تر بر دیو پیروز می‌شود. همچنین، در ادامه داستان چنین آمده است که این برادران پنج بودا و رسولانی هستند که ارواح را طی هفت دوره به بهشت هدایت می‌کنند. درباره رسولان به‌کاررفته در داستان باید گفت ادبیات مانوی به چهار رسول اشاره می‌کند که نخستین آنها آدم یا شیث است؛ اما درباره هفت دوره به‌کاررفته در داستان هیچ شاهی وجود ندارد و شاید بتوان آن را در سنت‌های زرتشتی یا بودایی جست‌وجو کرد. این مقاله در صدق روشن کردن و مشابهت‌یابی پنج رسول و هفت دوره در دیگر متون است.

کلیدواژه‌ها: داستان‌های مانوی، قطعات سغدی، پنج رسول، پنج بودا، پنج برادر، اندرزهای اخلاقی مانوی.

* مشخصات اصل این اثر چنین است:

Christiane Reck (2009). "Snatches of the Middle Iranian: Tale of the Five Brothers", in: *New Light on Manichaeism*, Papers from the Sixth International Congress on Manichaeism, Organized by The International Association of Manichaean Studies, Edited by, Jason David, Beduhn, Leiden, pp. 241-259.

** دانشجوی دکتری ادیان ایرانی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران com.fazafarani@gmail.com

ادبیات مانوی شامل قصه‌های بسیاری است که به مثابه داستان‌های حکمی است تا عقاید مانوی را نشان دهد. این داستان‌های حکمی کمک می‌کند تا پیروان معنای اسطوره‌ای رویدادها و اصول اخلاقی را درک کنند و کارهای نیک انجام دهند. این حکایات اغلب بخشی از اندرزی اخلاقی است و مدعای گوینده را در قالب داستانی استعاری توضیح می‌دهد. متأسفانه بهره ما از ادبیات مانوی بسیار ناقص است و فقط گاه شاهد مضمونی اخلاقی حکمی هستیم (Colditz, 1987: 275). مجموعه قصه‌هایی چون آزندنامه مانویان نیز وجود دارد (Sundermann, 1985)؛ اما اغلب نمی‌توان تشخیص داد که آیا این قطعه بخشی از مجموعه حکایات یا بخشی از اندرزی اخلاقی است. بیشتر این حکایات درباره اشخاص اساطیری معروف است و رفتار و اقدامات آنها را شرح می‌دهد. شرح و تفسیر مانویان از این حکایات، همچون قصه معروف مرواریدتراش (pearl-borer)، گاه از هند یا دیگر سنت‌ها به عاریت گرفته شده است (Henning, 1945: 465-469). داستان زیر بخش کوچکی از اندرزی اخلاقی است. نخست قطعات برجای مانده داستان را معرفی، و سپس اندرز اخلاقی آن را بیان خواهیم کرد.

دو قطعه سعغدی So 18058 و So 18197 متعلق به نسخه دست‌نویسی یکسان و به شدت آسیب‌دیده، حاوی بخش‌هایی از این قصه است. این دو قطعه را، به روشی که در زیر نشان داده می‌شود، می‌توان به هم متصل کرد. قطعه So 18197 در اندازه 16×9.2 سانتی‌متر از یک برگه تقریباً کامل است. این قطعه بخش کوچکی از تیترها و خطوط ۲-۱۵ را حفظ کرده است. قطعه So 18058 در اندازه ۶.۸ × ۹.۴ سانتی‌متر بخش زیرین همین برگه است. این قطعه، خطوط ۱۵-۲۲ را حفظ کرده است. اندازه قطعات متصل شده ۹.۴×۱۸.۲ سانتی‌متر است. می‌توان تصور کرد که این برگه در اصل حاوی ۲۲ خط بوده است. خط نخست این متن به طور کامل از بین رفته است. در انتهای تیترا هم شکوفه‌های تزئینی وجود دارد. در صفحه بعد، تیترا با شماره پنج (pnc) آغاز می‌شود. قطعات بیشتری با دست‌نوشته‌ای مشابه وجود دارد، اما گاه حروف کوچک‌ترند یا فاصله میان خطوط بیشتر است. از این‌رو، قطعات دیگری نداریم که دقیقاً متعلق به این نوع دست‌خط باشد.

حرف‌نگاری و ترجمه قطعات (See Pls. 1 and 2) So 18058 + So 18197

r/h1/ [*](.) *

/1/ []

/2/ [< 1.] šw

/3/ [< 1.] wδ'rt

/4/ [< 1.] w

/5/ [< 1.] (š) y

/6/ [6] (.) [] (mr) w [1] (.δ) ['r] t ○○

/7/ rty pcp'ty 'y (w) myδδ (.) [4]

/8/ 'XYW 'z-γ'rt 'rkw L' [3-4]

/9/ kδ'rt ZY š (w) ywn'yδδ pty-x (w'y)

/10/ ○○ rtms w ('nt) 'dry 'XYW prymyδ

/11/ βryn' (.....) štδ'rt ○○ (cy) w(y?) δδ

/12/ (pyδ'r) (p) ['rwt] y 'z-γ'rt [prm'nh]

/13/ L' δβ'rt δ ('r'n) t [...6]

/14/ γyrtr ZKh '(β/y) [8]

/15/ (pncmykw) ('XY-W') y pt [3] (...) [1-2] (.)

/16/ wyšn k (tr.) y mn (t) [5]

/17/ γrβ'kstr [4] (○) [rt] (y) [w'n] (k) w

/18/ w ('/n.δk) (w) [γ] (δ) ['r] (t kt) ZKw ctβ'r

/19/ '(XY) [Wtrt] ZY m (y) pty-xw'y ZY (kδ) [r] y

/20/ xw w'nxrš¹ (cy/β/f/y'/n)² (t) [4] (s)'r

/21/ (p) [2-3] (t) ○○ rty nwkr (.) [3] (p/k.) y

/22/ ('st'βt'k) w ZY 'š (kw) [1-2] (w/y/r) '[4] (..)

v/hl / * pnc [*]

/1/ []

/2/ p(δ) [< 1.]

/3/ 'yw (.) [< 1.]

Interlinear:

/3a/ pnc []

/4/ k (.'n) [< 1.]

Interlinear:

- /4a/ (..) []
 /5/ 'yw (...mš?) [< 1.]
 /6/ r' m'nt (y) [3] (y/β) rt [...8]
 /7/ (') [5-6] (.) ZY š (n) pr xwrm ZY
 /8/ (š)[] L' pðwβs (n) tw ZY (rymnyt)
 /9/ [L'] xnt ○○ rty kwprm z-w'nt (y)
 /10/ [4-5] (ZY) mwnw'rk kwn' (rty)
 /11/ ['s] k't (r) (x) w ðyw 'yðcw ptyrn
 /12/ [3-4] (..t) rty n (w) [kr] cy-wyðð
 /13/ [6] (.) Z (Y) (pr)'yš³ ○○ ○○
 /14/ [8] βwt ðyw
 /15/ xw (ty) xw [2] (.) [1] k (.) r (.) (tnp'r xcy)
 /16/ 'M p (') [r'y] (kt)⁴ ðywy pr'yw□○○□ZY
 /17/ (pn) [c] (°XYW-tr) t [Z] Kh pnc
 /18/ p (wt) yšt ZY p (ryš) t'ktw xnt
 /19/ ky ZY pr 'βt' z-wrn'k (ZK) h
 /20/ rw ('n) [th'kw] wštm'xs'r šk (rt)
 /21/ δ (') [rnt ○○] ○○ZY š (m) [n] w pr (p.) [3-4] (t)
 /22/ p (.) [7-8] ZY (βγ) y-šty

پشت برگه/تیترا []

[]/۱/

او []/۲/

[]/۳/ انجام داد

... []/۴/

[]/۵/ (او)

[]/۶/ انجام داد.

- ۷/ و این بار در یک روز []
۸/ برادر با سرعت کافی کار را انجام نداد []
۹/ و او را بی‌درنگ کشت []
۱۰/ علاوه بر این، او انجام داد ... به این شیوه
۱۱/ برای آن سه برادر. از این رو
۱۲/ آنها ندادند [فرمان]
۱۳/ به سرعت. []
۱۴/ بعد ... []
۱۵/ (برادر پنجم) []
۱۶/ آنها / آنها []
۱۷/ خردمندترین []. [و] [غیره]
۱۸/ ... (سخن گفت): «او کشته است چهار
۱۹/ برادرم را و (اینک)
۲۰/ او / این (مبارزه / نجات) []
۲۱/ ... و اینک []
۲۲/ بی‌امان و (دش) [وار]

پنج []

۱/ []

۲/... []

۳/ یک []

بین خطوط:

۳/ الف / پنج / پنجم []

۴/... []

۴/ الف /... []

۵/ یک ... []

۶/ همیشه [] ... []

۷/ [] و آنها در گرد و خاک

- ۸/ [] آنها فرو رفتند و هستند
 ۹/ [نه] کثیف. و تا زمانی که <او> [داشت]
 ۱۰/ زندگی می‌کرد و این کار را انجام می‌داد،^۶ تا حد زیادی و بیشتر
 ۱۱/ این دیو [] هر دلیلی
 ۱۲/ [] و [اینک] از این
 ۱۳/ [] و (او) فرستاد.
 ۱۴/ [] این دیو است
 ۱۵/ خود او /.....
 ۱۶/ همراه با دیوان (باقی مانده). و
 ۱۷/ این (پنج برادر) هستند پنج
 ۱۸/ بودا و (رسول)
 ۱۹/ کسانی که هدایت کردند ارواح را به
 ۲۰/ بهشت در طی هفت دوره
 ۲۱/ و اهریمن در ...
 ۲۲/ [] و خدایان

قصه موجود در این قطعات درباره برادرانی است که در حال نبرد با دیوی هستند. از مطلب صفحه بعد نیز پی می‌بریم که یکی از این برادران فاقد سرعت عمل کافی است و به همین دلیل کشته می‌شود. سه برادر باقی می‌ماند. فهمیدن بخش‌های بعدی مشکل است. یکی از برادران می‌گوید: «او چهار برادر مرا کشت ...». بنابراین، باید نتیجه بگیریم که این داستان درباره پنج برادر است. شاید برادر پنجم در نبرد علیه دیو با دلاوری بیشتری جنگیده است. نمی‌دانیم چه اتفاقی افتاده است.

در صفحه بعد اندرز اخلاقی را درمی‌یابیم: «و این (پنج برادر) پنج بودا و (رسول) هستند، آنها که ارواح را طی هفت دوره به بهشت هدایت می‌کنند». بنابراین، درمی‌یابیم که فرض پنج برادر صحیح است و اینکه آنها پنج بودا و رسول‌اند. در این اندرز اخلاقی به دیو اشاره شده است. از این رو، فکر می‌کنم می‌توان دیو داستان را با اهریمن یکی دانست. چنان‌که در متن سغدی So 18248 I ذکر شده، در اسطوره‌ای مانوی دیو آز و اهریمن چندین شخص را ترغیب می‌کنند تا به رسولان افترا زنند و ادیان را ضایع کنند، این متن را و. ب. هنینگ در مقاله «کشتار مغان»^۷ منتشر کرده است (Henning, 1944).

این پنج بودا و رسول چه کسانی هستند؟ فکر می‌کنم عبارت «بوداها و رسولان» به عنوان عبارتی تأکیدی به کار برده شده و این تأکید به رسولان نور اشاره دارد که دانش نجات‌بخش را به بشر عرضه می‌کنند و به این طریق راه بهشت را نشان می‌دهند. طبق فرهنگ لغت دزمووند دورکین - میستر ارنست، بوداها در این مفهوم در متون مختلفی، به‌ویژه در برخی اشعار فارسی میانه و پارتی، ذکر شده‌اند (Durkin-Meisterernst, 2004: 118).

آنچه مایه شگفتی است تعداد رسولان است. به طور معمول چهار رسول را می‌شناسیم: زرتشت، بودا، عیسی مسیح و مانی.^۷ این اسامی چهار رسول را بیرونی در نقل قولی از شاپورگان^۸ و در اسامی رسولان ذکر شده در گفت‌وگویی سرودگونه میان عیسی و کودکی در قطعه M 42 به دست آورده است. اسامی شمار بسیاری از انتقال‌دهندگان تجلیات الوهی نیز حفظ شده است. مثلاً در منابع آسیای مرکزی، تألیف شهرستانی، این انتقال‌دهندگان، آدم، شیث، نوح، ابراهیم، بودا، زرتشت، مسیح، پولس و محمد (ص) هستند.^۹ این اسامی در فهرستی دیگر شم (Sēm)، سام (Sēm)، انوش (Enōs)، نیکوتئوس (Nikotheos) و حنوخ (Henning, 1934: 27-28) و در کفالا یا قبطی، شیتیل (شیث)، انوش، حنوخ، سام، بودا، ائورنتس، زردس (زرتشت)، عیسی مسیح است؛^{۱۰} متأسفانه شمار این نام‌ها از شماره پنج مد نظر، بیشتر است. همچنین، این موضوع را سی. رئوس در فصلی درباره «مانویت و پدران کتاب مقدس» در کتابش با عنوان پیام‌آوران آن قلمرو نیک^{۱۱} به تفصیل بیان کرده است (Reeves, 1996: 5-30).

اما فهرستی از چهار پیامبر پیش از مانی نیز وجود دارد، در اندرز نیوشاگان^{۱۲} این اسامی چنین است: آدم، ازرشچ (زرتشت) (Azrušc (Zarathushtra)، بودا شاکمن (شاکیه‌مونی) (Šākyamuni) Buddha Šākman) و مسیح (Henning, 1944: 136, 138, 140-141). در این متن آدم به سه پیامبر پیش از مانی اضافه شده است. گواه دیگر برای افزودن آدم، قطعه‌هایی از افسانه زرتشت است که بخشی از آن را ورنر زوندرمان منتشر کرده است (Sundermann, 1986: 465 & n. 24 (So 18432/r/8/ unpubl.)). شاید این قطعات نیز به توصیف مفصل زندگی پیامبران قبل از مانی تعلق داشته باشد که یکی از آنها «افسانه معروف زرتشت» است. دیگر بخش‌ها بسیار ناقص است و نمی‌توان به آسانی آنها را بازسازی کرد. با این حال اشاره به یهود و پولس و آدم، این فرضیه را قوت می‌بخشد که متن درباره پیشینیان مانی است. در نسخه M 129/r/15 آدم، دین را از عیسی درخشان دریافت می‌کند. این مطلب با گزارش تئودور برکونای مطابقت دارد.^{۱۳} همچنین، داستان مهم

روشن‌شدگی آدم در چندین منبع مانوی گزارش شده و این موضوع چرایی گنجانده‌شدن آدم در سلسله پیامبران را روشن می‌کند.

قطعات پارسی میانه از کتاب *غولان*،^{۱۴} شیتیل (Šīt[il]) را به مثابه نخستین پیش‌نمونه و پس از او (بازسازی‌شده) [زرتشت]، بودا، و مسیح را معرفی می‌کند (Henning, 1943: 57 lines 153–155, & 63 کرده) در نسخه ترکی سرود *بزرگ مانی*^{۱۵} بند ۶۶، ذکر شده است: «تو پس از چهار پیامبر نازل شده‌ای. تو به حالت سعادت دست‌نیافتنی پیامبری نائل شده‌ای» (Clark, 1982: 183 with note on 196–197). کلارک می‌گوید می‌توان شیتیل را به فهرست پیامبران افزود. بنابراین، این موضوع که آیا آدم یا شیتیل (شیث) را باید در مقام نخستین رسول افزود، نامشخص است.

همچنین، در چندین متن سغدی و ترکی پنج بودا ذکر شده است. مثلاً در قطعه مربوط به مراسم نماز M 114، پنج بودا ذکر شده است (Henning, 1937: 47). هنینگ نیز دو خط از قطعه سغدی (r/1–2) M 6330 را منتشر کرده که در آن عبارت «پنج بودا از سه دوره» ذکر شده است (Henning, 1936, 585 on zwrnyy). همکارم، جینز ویلکنز، به من اطلاع داد که در قطعه ترکی U 64a+b+Mainz 435b نیز عبارت پنج بودا وجود دارد. در اینجا نوس روشن چنین ستایش شده است: «خدای من، تو، پس از تو خرد پنج بودا فرود آمد، [و] در میانه دشت (Bizäkün) ظاهر شد...» (Wilkins, 1999/2000: 222–223). سوزانا گولاچی (Zs. Gulácsi) سه تصویر را به مثابه تمثال پیامبران پیش از مانی توصیف کرده است:

1. MIK III 4947 + MIK III 5d (Gulácsi 2001, nr. 66, 46–148)

2. MIK III 4970c (Gulácsi, 2001, nr. 50.2, 117–118)

۳. و در اصل این قطعه گم‌شده را لوکوک (Le Coq) بر صفحه ۸ از قوچو/خوچو (Chotscho) منتشر کرد (Repr. Gulácsi, 2001: 266). پیش از این، لوکوک فرضیه‌اش را چنین بیان کرده بود که این تصاویر نمایانگر مانی و پیشینیان او است (Le Coq, 1923: 45). با مراجعه به قطعه MIK III 4947 + MIK III 5d می‌توان تصور کرد که شخصیت اصلی وسط نقاشی، مانی است در حالی که پیشینیانش دور تا دور او نشسته‌اند؛ همچنین، می‌توان این موضوع را از عنوان «پنج بودا» که بر سینه شخص واقع در گوشه سمت راست تصویر نوشته شده، نتیجه گرفت.

در نقاشی بودایی، بودا هیچ‌گاه چهره‌ای کم‌اهمیت و فرعی نیست. هرچند این خوانش محل تردید است اما ترجیح می‌دهم کلمه «پنج» را قرائت کنم. احتمالاً تصویر گم‌شده نیز موقعیتی مشابه را نشان می‌دهد. در اینجا نشان صلیب نسطوری امکان این فرض را می‌دهد که عیسی تصویر شده است. ممکن است این بازنمایی‌ها همچون صحنه‌های پریندهی (Pranidhi-scenes) بودایی شکل گرفته باشد. البته باید آگاه باشیم که تمامی این فرضیات به دلیل نقصان شواهد و حدسیات است.

حال که به تصویری از پنج پیامبر دست یافتیم، هفت دوره به چه معنا است؟ در متن M 6330، سه دوره بیان شده است. دین مانوی خود را «دین دو اصل و سه دوره» نامیده است.^{۱۶} این سه دوره از این قرارند: ۱. هستی قلمرو نور و تاریکی در کنار یکدیگر، ۲. دوره آمیزش، آفرینش کیهان، رهایی نور و ۳. جدایی نور و تاریکی و آرامش / صلح جاودانی.^{۱۷} این سه دوره در کفالا یا نیز ذکر شده و سه دوره نخستین، میانه و نهایی نام گرفته‌اند (Keph 17, 55.16–57.32 (Gardner 1995, 59–61), cf. Nagel 1974: 204–207). اما در حقیقت این سه دوره، تقسیم‌بندی دوره آمیزش‌اند. با این حال نمی‌توان نتیجه گرفت که در این موضوع تفاوت‌های واضحی میان سنت مانوی شرق و غرب وجود داشته است. گ. وورست نشان داده است که سه زمان / دوره سنت شرقی در زمزمور ۲۲۳ بماقبطی بازتاب یافته است (Wurst, 1994: 170–172).

مثلاً در متنی منتشر نشده به نام /v/ So 10200(5)، استفاده از عبارت zwrnyy zwrnyy برای ظهور گاه و بیگاه رسولان در متون سغدی مانوی بسیار رایج است، و به معنای «از دوره‌ای به دوره‌ای / زمان به زمان» و (معادل فارسی میانه $pd'w'm'w'm$) است (M 299a/1/ Henning, 1934: 27). این قطعه و قطعه So 20192 روزگاری به همان صفحه تعلق داشت. در اینجا فقط عبارت مربوط را نقل می‌کنم:

So 10200 (5) /v/

/6/ [ctβ] (') rmykw¹⁸ (nwy) [myδ x] (w) ty myδ ' 'γty

/7/ [3] (...) [2] ptγ'mβrt ZY βγ'y 'z-'nt

/8/ [1–2] (t) ° (k) y z-wrny z-wrny z-mny' z-mny'¹⁹

/9/ (pr) β'cmpδ'wxwz-'ntw²⁰ wyn'ncykw wβ'ntw

/10/ [1] (.kw) (.'pyky) mrtxmyncw δ'my ršty r'δ

/11/ [1–2] (...) [1–2] (pδ) 'št'y (') [nt ZY 'kw] (w) [š] tm'xw s'r

/12/ ['šk'r] (') [ntw] °

- ۶/ چهارم: روز جدید خود تناگته است،
 ۷/ [] فرستادگان و پیام‌آوران خدا
 ۸/ [] از دوره‌ای به دوره‌ای، از زمانی به زمانی
 ۹/ فرود آمدند به جهان و رؤیت‌پذیر شدند
 ۱۰/ (... ..) راه درست را به انسان‌ها نشان دادند
 ۱۱/ [از این جهان] و [هدایت کردند] آنها را به بهشت.

این عبارت به رسولانی اشاره می‌کند که در اینجا ptγ'mbrt ZY βγ'y'z-γ'nt یعنی «فرستادگان و پیام‌آوران خدا» نامیده شده‌اند، کسانی که نوس-روشن آنها را برای روشنگری و رهایی بشر فرستاد. مشابه این عبارت در متن So 14187 + So 14190 نیز آمده است (Reck, 2007: 60–61, II, 50–52). در این متن زنی از مانی طلب بخشایش می‌کند و ایمانش را با این کلمات اعتراف می‌کند:

/2/ [1] (n') k β/y/w [7] (..k) [zwrn] y z-w (r) [ny]

/3/ cykt pwttyšty pš' [γ] (r) y [w] (') k ZY pr [w]

/4/ βr'yšt'k

«[من منتظر بودم] برای فارقلیط بوداهای دوره‌های متفاوت و برای این رسول». این عبارت در کلمات zwrny zwrnycykt pwttyšt در خط ۸، و مثلاً خط ۴۴، نیز استفاده شده است (Sims-Williams, 1981: 235–236).

اما تاکنون هیچ شاهدی برای هفت دوره در متون مانوی نیافته‌ام و به این دلیل، باید چنین مفهومی را در مطالب ادیان دیگر جست‌وجو کنیم که مانی با آنها در ارتباط بوده است. در متن آخرالزمانی زرتشتی به نام *زند و همن یسن سخن* از درختی است که هفت شاخه دارد، یکی زرین، یکی سیمین، یکی رویین، یکی برنجین، یکی ارزیزین [قلع]، یکی پولادین و یکی آهن برآمیخته^{۲۱} و زرتشت این درخت را در رؤیایش دیده بود (Cereti, 1995: 151–152).^{۲۲}

آیا ممکن است این اندیشه‌ها بر تفسیر داستان ما تأثیر گذاشته باشد؟ از این گذشته، سنت بودایی سلسله‌ای از هفت بودا را می‌شناسد: ویشین (Vipashyin)، شیکین (Shikin)، ویشوبهو (Vishvabhū)، کرکوچ چنده (Krakuchchanda)، کونگامنه (Konagāmana)، کاشیپه (Kāshyapa) و شاکیمونی (Troje 1925, 94–95 n. 2, and Lexikon der östlichen Weisheitslehren, 51–54). پیروان مکتب میتریه، چشم به راه بودای آینده میتریه‌اند. آیا هفت دوره، بازتاب

دوران هفت بودای نخستین است؟ در آیین بودا، پنج بودا (Buddhakula) شناخته شده‌اند، که در مندرله پنج تنهاگته‌ها نشان داده شده‌اند: وِیروچَنَه (Vairocana)، آکْشوبیه (Akshobhy)، رَتْنه‌سَم‌بوه (Ratnasambhava)، آمیتابهه (Amitābha) و آموگه‌سیدهی (Amoghasiddhi).^{۲۳}

آیا ممکن است این موضوع بر تفسیر مانی از داستان پنج برادر تأثیر داشته باشد؟ در این باره اطلاعی نداریم. اما بسیاری از اوقات عدد پنج و هفت شخصیت در خود ادبیات مانوی به کار برده شده است. مثال‌های فراوانی از این نوع را می‌شناسیم. تصاویر نمادین بعدی نیز که به دیانت مانی اضافه شده عدد ۱۲ را نشان داده‌اند.^{۲۴} می‌توان فرض کرد که تصاویر پنج و هفت در این داستان مضمونی سنتی و ادبی برای فهم بهتر اسطوره مانوی هستند. همین کاربرد مشابه تصاویر هفت و پنج را در افسانه حاوی اندرزه‌های اخلاقی بشنداد (Bašndād) در نسخه MIK III 8259 می‌یابیم که زوندرمان منتشر کرده است. (Sundermann, 1973: 98–99, text 33; facsimile: Gulácsi, 2001: 58–60, transl. 221–224, nr. 28). همچنین، هفت رَتْنه (ratnas) (جوهر) و پنج مهابهوتا (عناصر عظیم) (mahābhūtas) و خطابه روح (Sermon of the Soul) هم شامل همانندهای بسیار دیگری از پنج عنصر نور الوهی شامل پنج رتنه و هفت مهابهوتا است (Sundermann, 1997: 86–87, with explanation on 141–142). این تشبیه‌ها با «پنج برادر زخمی که از آنان پنج جنگل می‌روید» پایان می‌یابد. در اینجا ورنر زوندرمان جنگل را با کلیسای مانوی و به عبارت دیگر پنج مرتبه از سلسله‌مراتب مانوی تطبیق می‌دهد. اما این نکته را نیز می‌پذیرد که حکایت پنج برادر زخمی نیز غیرمعمول است. آیا این حکایت می‌تواند اشاره‌ای به پنج برادر داستان ما، یعنی پیامبران دین حقیقت، باشد؟

پیشینه ادبی قصه این برادران چیست؟ عموماً قصه‌ها و افسانه‌های اساطیری شامل سه برادر است. دو برادر بزرگ‌تر شکست می‌خورند؛ اما برادر جوان‌تر پیروز می‌شود که اغلب دست‌کم گرفته می‌شود (Lüthi, 1979: col. 846). این شکلی خاص از برادرانی سریع، چالاک و ماهر است (Ranke, 1979: col. 868). این مطلب که در داستان، یک برادر سرعت عمل کافی نداشته، ما را به این فرض رهنمون می‌شود که توانایی برادران نیز نقش مهمی ایفا می‌کند.

داستانی بودایی به نام پومویوتته جاتکه (Punjavanta-Jātaka) (Sieg, 1944: 18–20, and Dschi (Hiän-lin, 1943: 284–303) نیز وجود دارد که در آن پنج شاهزاده شایستگی‌ها و توانایی‌های متفاوتی دارند. برادر پنجم، یعنی شایسته‌ترین آنها، پس از مرگ پدرش به پادشاهی

می‌رسد و بودا چون برای فضیلت ارزش والایی قائل است، خود را با این برادر یکی می‌داند. این داستان به عنوان داستان چهار دوست در کلیله و دمنه نیز به چشم می‌خورد. اصل هندی این داستان را جی. هرتل ثبت کرده است (Hertel, 1914: 371-385). ویرایش بودایی این داستان شمار چهار دوست را به پنج دوست افزایش، و دوستان را به برادران تغییر داده است. احتمالاً این همان حکایت ما نیست. متأسفانه، به قدر کافی از این داستان اخلاقی پنج برادر در متن مانوی مان اطلاع نداریم تا بتوانیم آن را مستقیماً با این تشابهات مطابقت دهیم. هرچند اغلب در بسیاری از حکایات فقط سه برادر در حال رقابت‌اند، اما این داستان مثالی از پیروزی پنج برادر است. مثلاً در داستانی مانوی به ترکی کهن از سه شاهزاده اطلاع داریم (Geng Shimin/Klimkeit/Laut, 1989: 329-345) که متأسفانه افسانه حاوی اندرز اخلاقی‌اش بر جای نمانده است؛ اما مصححان حدس می‌زنند که سه شاهزاده و برادران را می‌توان با سه فرستاده اصلی اسطوره مانوی، یعنی انسان قدیم، روح زنده و فرستاده سوم، مطابقت داد.

مضمون برادران رقیب یا مبارز نیز در افسانه مانوی مشهور است. به‌تازگی یوکیو کاسای (Yukiyo Kasai) مقاله‌ای با عنوان «انجامه افسانه بوکوگ کاگان [بوگو خان]»^{۲۵} منتشر کرده است (Kasai, 2004: 9 & n. 22). این افسانه به پارسی، چینی و ایغوری ترجمه شده، اما در برخی نکات با یکدیگر تفاوت دارند. خلاصه این افسانه چنین است: سه درخت یا دو درخت در مغولستان در میانه دو رودخانه قرار داشتند. این دو به وسیله نوری آسمانی باردار شدند. پنجمین فرزند اینها بوکوگ نام داشت. بوکوگ پس از بزرگ شدن حاکم مغولستان شد، چون که بهترین بود یا شاید به این دلیل که دیگر فرزندان فوت کردند. او شبی مردی سال‌خورده در لباس سفید را در ضمن رؤیایی دید که به او چنین ندا داد: بوکوگ پادشاه اوغور می‌شود. پس از مرگ بوکوگ، ایغورها قلمرو مغولستان را از دست دادند و به منطقه تیان‌شان (Tianshan) رفتند. مطابق با نظر یوکیو کاسای، سه درخت، نور آسمانی و لباس سفید تأثیرات مانویت بر این افسانه را نشان می‌دهند. اما من فکر می‌کنم پنج شخصیت مانوی نیز در آن هستند. این حقیقت که پنجمین فرزند پادشاه می‌شود شبیه پیروزی پنجمین برادر در داستان ما است.

در پی جست‌وجو برای وجود شباهت‌ها در ادبیات ایرانی میانه مانوی، قطعه کوچک M 6470 را یافتیم که ورنر زوندرمان منتشر کرده است (Sundermann, 1973: 93-94, text 28; facsimile: Pls. 43 & 44). این قطعه حاوی متنی به چندین زبان است: عنوان و آخرین کلمه

یک متن فارسی میانه در خط نخست، یک جمله سغدی و یک داستان پارتی. در ادامه ترجمه انگلیسی متن بیان می‌شود:

عنوان پارسی میانه:

«[حکایات] (دو؟) برادر نشان [می‌دهد]»

آخرین کلمه از متن پارسی میانه:

«... بزرگ شد.»

سغدی:

«به (خدایان؟) باید باشد [.]»

حکایت پارتی:

«حکایت دیو شر: گفته شده است، که یک (شخص شرور) و دیوی دزدصفت وجود داشت. و او همیشه (صدمه می‌زد) [] و در یک خانه [] <صفحه بعد> قادر به انجام دادن آن نبود. [] در یک لحظه آن را انجام داد. یک روز، سریع [] قادر نبود تا به برادر بزرگ‌تر دستور بدهد. بی‌درنگ [] برخاست و او را کشت. و [] به [] پنجمین.»

اشتراک هر دو متن ناقص چیست؟ یک دیو؛ برادران؛ کاری که باید با سرعت کافی انجام شود؛ دیو که یکی از برادران را می‌کشد؛ پنجمی که ذکر شده است؛ اما نمی‌توان مطمئن بود که این پنجم به معنای پنجمین برادر باشد. تفاوت‌ها این است که، عنوان داستان «حکایت دیو شرور» در آغاز با قرمز نوشته شده است؛ در بالای صفحه نیز نوشته شده است: «حکایت [] برادران نشان می‌دهد». ورنر زوندرمان در متن چاپی‌اش تصور می‌کند که حرف a b بایستی جاافتادگی را پر کند. همچنین، زوندرمان تصور می‌کند که حرف b به جای شماره ۲ استفاده شده و این شیوه خاص در متون مانوی به کار می‌رفته است. بر اساس حروف باقی‌مانده، پیشنهاد می‌کنم آن را پنج بخوانیم. از این رو، می‌توانیم عنوان بالای صفحه را نیز این‌گونه بخوانیم: «حکایت پنج برادر نشان می‌دهد». شیوه ممکن دیگر برای ترجمه این جمله می‌تواند این باشد که: «این داستان نشان می‌دهد: حکایت پنج برادر را» (Suggested by W. Sundermann). اما این پرسش بر جای می‌ماند که چرا واژه «قصه» جمع است؟ آیا قصه‌های بیشتری درباره پنج برادر وجود دارد؟ آیا قصه نبرد با دیو شرور فقط یکی از این قصه‌ها است؟ در این باره نیز اطلاعی نداریم.

با وجود این، هر دو قصه شامل عناصر مشابهی هستند، یک برادر به حد کافی سرعت عمل ندارد و به واسطه دیوی کشته می‌شود. به همین دلیل است که این قصه تکه‌تکه را

می‌توان با داستانی مشابه، همچون داستان سغدی، بررسی کرد.

ورنر زوندرمان در مقاله‌اش در پنجمین کنفرانس مطالعات مانوی، آردهنگ و فراس (Ārdhang wifrās) را معرفی کرد و آن را با پراگماتیا (Pragmateia) یکی دانست (Sundermann, 2005: 381–382). برخی از این قطعات، خلاصه (résumés) این قصه است. زوندرمان اشاره می‌کند که یکی از این قطعات، یعنی M 258، به قصه‌ای اشاره دارد که «درباره دیوی است که چهار برادر را می‌کشد و برادر جوان‌تر دیو را می‌کشد».^{۲۶} می‌توان فرض کرد که این داستانی است که باقی‌مانده‌هایش در پارتی و سغدی حفظ شده است. پرازد اوکتور شروو (P. O. Skjærvø) فرض می‌کند که پراگماتیا می‌تواند حاوی افسانه‌هایی راجع به پیامبران و دوران آنها باشد و به این دلیل او به همان نتیجه‌گیری ورنر زوندرمان می‌رسد (Skjærvø, 1996: 624).

این پرسش نیز مطرح است که: آیا داستان پنج برادر در حال نبرد با دیو، همان است که در آردهنگ و فراس ذکر شده است؟ اگر ارژنگ همان پراگماتیا باشد و آردهنگ و فراس اشاره به این یکسانی داشته باشد، آیا خود مانی سلسله پنج پیامبر را می‌شناخته است؟ اگر چنین است چرا چنین سلسله‌ای را در شاپورگان نیاورده است؟

یورینده ابرت (Jorinde Ebert) توجه مرا به قطعات فراوان نقاشی بر ابریشم جلب کرد که در موزه هنر هندی برلین (اکنون موزه هنر آسیایی برلین) با عنوان MIK III 6279 a–h نگهداری می‌شود (Gulácsy, 2001: 171, fig. 77). این مجموعه حاوی متون پراکنده فراوانی به پارتی و پارسی میانه به خط مانوی است که متأسفانه محتوای نامشخصی دارند؛^{۲۷} و تاکنون اقدامی برای شناسایی آن صورت نگرفته است. می‌توان تصور کرد که این نقاشی‌ها پنج برادر را در حال مبارزه با دیو نشان می‌دهد. اما جانب احتیاط را باید نگه داشت، چون دلیل روشنی برای این موضوع و گذشته از این برای وجود یک دیو و حداقل دو برادر نداریم.

نتیجه

دو حکایت درباره پنج برادر یکی به زبان پارتی و دیگری به زبان سغدی وجود دارد. دیو برادران را یکی از پس از دیگری می‌کشد، برادر جوان‌تر بر دیو پیروز می‌شود. این اندرز اخلاقی داستان سغدی بیان می‌کند که برادران پنج بودا و رسولانی هستند که ارواح را طی هفت دوره به بهشت هدایت می‌کنند. تصور می‌کنیم که منظور از این رسولان، رسولان

روشنی است و نمی‌دانیم که نخستین رسول در این قصه چه کسی است. در ادبیات مانوی نیز معمولاً به چهار رسول اشاره می‌شود. مثلاً نخستین رسول می‌تواند آدم یا شیث باشد. اما هیچ شهادی از اینکه هفت دوره به چه معنا است، نداریم، اما می‌توان تصور کرد که سنت‌های زرتشتی یا بودایی حاوی این مضمون بوده‌اند. با این حال توضیح محتمل‌تر این است که تصویر پنج و هفت به عنوان نوعی مضمون سنتی ادبی به کار رفته باشد. نقل این داستان در آردهنگ و فراس، اگر همان پراگماتیا و یکی از دست‌نوشته‌های کانونی خود مانی باشد، اجازه این نتیجه‌گیری را می‌دهد که مانی خود موضوع سلسله پیامبران را مطرح کرده است؛ اما به هیچ وجه از این موضوع اطلاع نداریم که آیا مانی صراحتاً داستان بودایی پنج برادر را در ذهن داشته یا اینکه موضوعات دیگری این مفهوم و جایگاهش در تاریخ دین را در دسترس او قرار داده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. همچنین، می‌توان واژه wnyrs را «رستگاری» قرائت کرد.
۲. اولین حرف نامشخص است و روشن نیست که آیا این کلمه سه‌حرفی است یا چهارحرفی. آیا می‌توان کلمه cyn را برای cnn قرائت کرد؟
۳. این مطلب روشن نیست. شاید همه حروف به یک کلمه تعلق دارد و می‌توان آن را به صورت nyp'ys خواند: «او نوشت» (N. Sims-Williams, *personal communication*).
۴. خوانش و بازسازی به همت ورنر زوندرمان.
۵. یا: «تا زمانی که [نجات‌دهنده] زندگی این کار را انجام دهد» (ورنر زوندرمان)
6. The murder of the magi
7. Kephalaia, 1. Hälfte (Lfg. 1–10), Manichäische Handschriften der Staatlichen Museen, Berlin I, H. J. Polotsky and A. Böhlig, eds. (Stuttgart 1934–40), 7.6–8.7 (Gardner 1995, 13). See Smagina, 1992, pp. 356–357.
8. Chronology of Ancient Nations, ed. by Sachau 1879, 190 and 207, pp. 14–18.
9. Haarbrücker, 1850, vol. I, 285–291, quoted from Böhlig/Asmussen, 1980, p. 155.
10. Keph 1, 7.23–8.8 (Gardner 1995, 18). See Smagina 1992, p. 357.
11. Heralds of that Good Real.
12. Homily addressed to laymen, (ny'ws'k'n'k wy-δβ'γ)

13. Theodore bar Kōnai: Liber scholiorum, CSCO 69, A. Scher, ed., 317, quoted from Böhlig/ Asmussen, 1980, pp. 107–108.
14. Book of Giants, (M 101a–n and M 911).
15. Great Hymn to Mani
16. For example in the Xwāstwānīf § VIII, Asmussen, 1965, p. 196.
17. See “The Compendium of the Doctrines and Styles of the Teaching of Mani, The Buddha of Light,” 81a1–10 (Schmidt-Glitzner 1987), p. 75.
۱۸. قطعه کوچک در آغاز خط بایستی برگردانده شود. چون علامت نقطه به انتهای سمت راست خط تعلق دارد. در هر دو، دو نقطه تفکیک‌کننده زیر □ z of z-mny وجود دارد.
19. There are two diacritical dots under the z of z-mny’ in both cases.
 ۲۰. نوشته غیرمعمول برای wxz. در این متن کاتب چندین بار «و» زاید را نوشته است.
 ۲۱. نک.: راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۵). *زند و همن یسن*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۳ (م).
 ۲۲. فصل نخست فقط به چهار شاخه این درخت اشاره دارد، شاخه‌ای طلا، نقره، فولاد و آهن مخلوط‌شده، که نمادی از چهار دوره‌ای است که پس از هزاره زرتشت خواهد آمد، نک.: Sundermann, 1989, 492a
23. Additional other lists of five Buddhas are known, see Lokesh Chandra, *Dictionary of Buddhist Iconography*, Bd. 4, p. 1128.
24. *Tables of pentads and dodecads are listed in Sundermann, 1992, pp. 137–141.*
25. Ein Kolophon um die Legende von Bokug Kagan.
26. see n. 16: “M 258/IV/1–3/ '[c] (dy) w (ky) ['w] (cfr) br ('dr)'(n) ['wjd] ('wd qs' dr br 'd 'w dyw 'wjd).”
27. Edited by J. BeDuhn in Gulácsi, 2001, p. 243.

- Andreas, F. C.; Henning, W. B. (1934). "Mitteliranische Manichaica aus Chinesisch-Turkestan III", *SbPAW*, PH, pp. 846–912.
- Asmussen, J. P. (1965). *Xuāstwānīft. Studies in Manichaeism*, Acta Theologica Danica 7 (Copenhagen).
- Böhlig, A.; Asmussen, J. P. (1980). *Die Gnosis. III. Der Manichäismus* (Zürich-München).
- Cereti, C. (1995). *The Zand ī Wahman Yasn: A Zoroastrian Apocalypse*, Serie Orientale Roma 75 (Roma).
- Clark, L. (1982). "The Manichean Turkic Poethi-Book", *Altorientalische Forschungen* 9: 145–218.
- Colditz, I. (1987). "Bruchstücke manichäisch-parthischer Parabelsammlungen", *Altorientalische Forschungen* 14.2: 274–313.
- Dschi Hiän-lin (1943). "Parallelversionen zur tocharischen Rezension des Punyavanta-Jātaka", *ZDMG* 97=N.F. 22: 284–324.
- Durkin-Meisterernst, D. (2004). *Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian*, Corpus Fontium Manichaeorum: Subsidia; *Dictionary of Manichaean Texts*, Vol. III, Part 1 (Turnhout).
- Gardner, I. (1995). *The Kephalaia of the Teacher: the edited Coptic Manichaean Texts in translation with commentary*, Nag Hammadi and Manichaean Studies 37 (Leiden).
- Geng Shimin, H.-J. Klimkeit; Laut, J. P. (1989). "Die Geschichte der drei Prinzen: Weitere manichäische Fragmente aus Turfan", *ZDMG* 139: 329–345.
- Gulácsi, Zs. (2001). *Manichaean Art in Berlin Collections: A Comprehensive Catalogue of Manichean Artifacts Belonging to the Berlin State Museums of the Prussian Cultural Foundation, Museum of Indian Art, and the Berlin-Brandenburg Academy of Sciences, deposited in the Berlin State Library of the Prussian Cultural Foundation*, Corpus Fontium Manichaeorum: Series Archaeologica et Iconographica 1 (Turnhout).
- Haarbrücker, T. (1850). *Religions partheien und Philosophenschulen (Schahrastani's Kitab al-milal wa'l-nihal)*(Halle).
- Henning, W. B. (1934). "Ein manichäisches Henochbuch", *SbPAW*, pp. 27–35.
- Henning, W. B. (1936). "Sogdische Miscellen", *BSOS* 8: 583–588.

- Henning, W. B. (1937). *Ein manichäisches Bet- und Beichtbuch*, APAW 1936, Nr. 10 (Berlin).
- Henning, W. B. (1943). *The Book of the Giants*, BSOAS 11.1: 52–74.
- Henning, W. B. (1944). *The Murder of the Magi*, JRAS 1944: 133–144.
- Henning, W. B. (1945). *Sogdian Tales*, BSOAS 11.3: 465–487.
- Hertel, J. (1914). *Das Pañjatantra: seine Geschichte und seine Verbreitung* (Leipzig/Berlin).
- Kasai, Y. (2004). "Ein Kolophon um die Legende von Bokug Kagan", *Studies on the Inner Asian Languages* 19: 1–25.
- Le Coq, A. v. (1923). *Die buddhistische Spätantike in Mittelasien, II: Die manichäischen Miniaturen* (Berlin).
- Lüthi, M. (1979). Bruder, Brüder, *Enzyklopädie des Märchens*, K. Ranke et al., eds. (Berlin), col. 844–861.
- Nagel, P. (1974). "Bemerkungen zum manichäischen Zeit- und Geschichtsverständnis", *Studia Coptica*, Berliner byzantinische Arbeiten 45, P. Nagel, ed. (Berlin), pp. 201–214.
- Ranke, K. (1979). Brüder, die behenden B., *Enzyklopädie des Märchens*, K. Ranke et al., eds. (Berlin), col. 868–871.
- Reck, Ch. (2007). "Die Bekehrung einer Christin zum manichäischen Glauben? Probleme bei der Interpretation eines fragmentarischen Textes", *Inkulturation des Christentums im Sasanidenreich*, A. Mustafa and J. Tubach with S. W. Vashalomidze, eds. (Wiesbaden), pp. 55–70.
- Reeves, J. C. (1996). *Heralds of That Good Realm: Syro-Mesopotamian Gnosis and Jewish Traditions*, Nag Hammadi and Manichaean Studies 41 (Leiden).
- Sachau, E. (1879). *The Chronology of Ancient Nations* (London).
- Schmidt-Glintzer, H. (1987). *Chinesische Manichaica. Mit textkritischen Anmerkungen und einem Glossar*, Studies in Oriental Religions 14 (Wiesbaden).
- Sieg, E. (1943). "Übersetzungen aus dem Tocharischen", APAW, Nr. 16, (Berlin), pp. 18–20.
- Sims-Williams, N. (1981). "The Sogdian fragments of Leningrad", BSOAS 44.2: 231–240.
- Skjærvø, P. O. (1996). Zarathustra in the Avesta and in Manicheism. Irano-Manichaica IV, with a contribution by Peter Zieme, *La Persia e l'Asia Centrale da Alessandro al X*

- secolo: convegno internazionale, roma, 9–12 novembre 1994, Accademia Nazionale dei Lincei. In Collaborazione con l'Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente, Atti dei Convegni Lincei 127 (Roma), pp. 597–628.*
- Smagina, E. B. (1992). "Die Reihe der manichäischen Apostel in den koptischen Texten", *Studia Manichaica: II. Internationaler Kongreß zum Manichäismus, 6.–10. August 1989, St. Augustin/Bonn, Studies in Oriental Religions 23*, H.-J. Klimkeit, ed. (Wiesbaden), pp. 356–366.
- Sundermann, W. (1973). *Mittelpersische und parthische kosmogonische und Parabeltexte der Manichäer mit einigen Bemerkungen zu Motiven der Parabeltexte von Friedmar Geissler*, Berliner Turfantexte 4 (Berlin).
- Sundermann, W. (1985). *Ein manichäisch-soghdisches Parabelbuch*, Berliner Turfantexte 15 (Berlin).
- Sundermann, W. (1986). "Bruchstücke einer manichäischen Zarathustralegende", *Studia Grammatica Iranica. Festschrift für Helmut Humbach*, Münchner Studien zur Sprachwissenschaft, n. F., Beiheft 13, R. Schmitt and P. O. Skjærvø, eds. (München), pp. 461–482.
- Sundermann, W. (1989). "Bahman Yašt", *Encyclopædia Iranica*, vol. 3, pp. 492a–493b.
- Sundermann, W. (1992). *Der Sermon vom Licht-Nous. Eine Lehrschrift des östlichen Manichäismus*. Edition der parthischen und soghdischen Version, Berliner Turfantexte 17 (Berlin).
- Sundermann, W. (1994). "Eva illuminatrix", *Gnosisforschung und Religionsgeschichte: Festschrift für Kurt Rudolph zum 65. Geburtstag*, H. Preissler and H. Seiwert, eds. (Marburg), pp. 317–327.
- Sundermann, W. (1997). *Der Sermon von der Seele: Eine Lehrschrift des östlichen Manichäismus*. Edition der parthischen und soghdischen Version mit einem Anhang von Peter Zieme: Die türkischen Fragmente des "Sermons von der Seele", Berliner Turfantexte 19 (Turnhout).
- Sundermann, W. (2005). "Was the Ārdhang Mani's Picture-Book?" *Il Manicheismo. Nuove prospettive della ricerca. Atti del quinto congresso internazionale di studi sul manicheismo, dipartimento di Studi Asiatici, Università degli Studi di Napoli "L-*

- Oriente*”, Napoli, 2–8 Settembre 2001, Manichaean Studies 5, Aloïs van Tongerloo and Luigi Cirillo, eds. (Turnhout), pp. 373–384.
- Troje, L. (1925). *Die Dreizehn und die Zwölf im Traktat Pelliot (Dogmen in Zahlenformeln): Ein Beitrag zu den Grundlagen des Manichäismus* (Leipzig).
- Wilkens, J. (1999/2000). "Ein manichäisch-türkischer Hymnus auf den Licht-Nous", *Ural-Altische Jahrbücher*, N.F. 16: 217–231.
- Wilkens, J. (2003). "Indiens Beitrag zur Erzählliteratur der zentralasiatischen Manichäer", *Indien und Zentralasien: Sprach- und Kulturkontakt. Vorträge des Göttinger Symposions vom 7. Bis 10. Mai 2001*, Veröffentlichungen der Societas Uralo-Altaica 61, S. Bretfeld und J. Wilkens, eds. (Wiesbaden), pp. 239–258.
- Wurst, G. (1994). "Zur Bedeutung der "Drei-Zeiten"-Formel in den koptisch-manichäischen Texten von Medinet Madi", *Peregrina Curiositas: Eine Reise durch den orbis antiquus. Zu Ehren von Dirk Van Damme*, Novum Testamentum et Orbis Antiquus 27, A. Kessler, ed. (Göttingen), pp. 167–179.